

دامنه عدالت بسیار گسترده است.

هر چیزی در جهان بر مدار عدالت سامان یافته‌است. از این رو نمی‌توان جایی را نشانه رفت که عدالت در آن جاری و ساری نباشد. لذا خروج از عدالت به معنای ظلم و بیداد و تجاوزگری دانسته‌شده است و نه تنها کاری قبیح و زشت از نظر اخلاقی بلکه رفتاری غیر قانونی و حتی فساد انگیز و خلاف طبیعت آریزایی شده‌است؛ زیرا آثار هر رفتار ظالمانه و غیرعادلانه بر روند صحیح طبیعت تأثیر منفی به جامی‌گذارد و اصلاح امور و رسیدن به کمال را برای انسان و دیگران سخت می‌کند.

از جمله مصادیق عدالت، عدالت در حوزه عمل اقتصادی است؛ زیرا قوام جامعه بر اقتصاد سالم است و هر گونه اختلال در سلامت اقتصاد به معنای خروج از دایره عدالت و رفتن به سوی فساد و در نهایت حرکت در جریان خلاف طبیعت کمالی انسان و جامعه و جهان است. از این رو موازینی از سوی خداوند حکیم برای سنجش حرکت

**از نگاه قرآن، اقتصاد فاقد عدالت و قسط هر چند که به ظاهر شکوفاست، ولی بی‌بهره از عناصر معنوی است تا تأثیرات مثبتی به جا گذارد. از این رو اقتصاد ربوی و فاسد و ظالمانه از نظر قرآن به عنوان اقتصاد بی‌برکت و بی‌خبر آریزایی می‌شود که ارزش افزوده واقعی برای آن نخواهد بود.**

انسانی بر محور عدالت بیان شده که در حوزه اقتصادی از آن به کیل و میزان و قسط تعبیر می‌شود.

نویسنده در این مطلب درباره اهمیت و ضرورت اجرای عدالت در مبادلات و معاملات اقتصادی از نگاه قرآن سخن گفته است.

\*\*\*

**معیارهای عدالت**

عدالت از نظر مفهومی و مصداقی دایره گسترده‌ای دارد. نمی‌توان چیزی را در جهان بیرون از دایره عدالت قرار داد؛ زیرا نظم هستی بر محور عدالت بنیاد گذاشته‌شده است و خداوند یکی از اسمای حسنیای خویش را عادل دانسته است.

انجاست که به عنوان یکی از اصول دین و مذهب مطرح شده‌است؛ زیرا هر گونه باوری بر خلاف این اصل به معنای ظلم و خروج از مدار هستی شناخته شده‌است.

اگر عدالت را از نظام هستی برداریم، به چشم برهم زنی از هم می‌باشد؛ زیرا ظلم و فساد نمی‌تواند مایه قوام هستی باشد و ظلم کنونی را به هستی ببخشد و آن را در مسیر کمالی قرار دهد. حکمت و هدفمندی هستی مقتضی آن است که در همه عوالم از کل تا جزایر، عدالت جریان داشته باشد. بر این اساس، هر جا که بزرگرم که عدالت نباشد، آن راه یافته به سبب فقدان شده‌است. در آنجاست؛ زیرا کوچک‌ترین بی‌عدالتی و ظلم به معنای اختلال در نظم و نظام آن چیز و از میان رفتن صحت و سلامت آن است.

رازداری و افشاسگری دو ضدی هستند که زندگی آدمی را تحت تأثیر شدید خود قرار می‌دهند. پیامندهای اخلاقی و حقوقی آن را گونه‌ای است که زندگی بشر را می‌تواند سخت و یا آسان کند و آدمی را در مسیر کمالی و یا ضد کمالی قرار دهد.

بارها از اطرافیان خود واگویی چون خیانت را شنیده اید و اینکه افشای رازی موجب شده است تا خانواده‌ای یا گروه‌های اجتماعی با هم درگیر شوند و حتی دامنه خشونت به جایی برسد که جامعه‌ای در معرض فروپاشی قرار گیرد.

افشاسگری در حوزه فردی هر چند تبعات حقوقی و اخلاقی دارد ولی در حوزه‌های اجتماعی آثار و تبعات آن فراتر و احکام و قوانین آن سخت‌تر است.

**رازداری در حوزه مسائل شخصی**

**یک اصل قرآنی**

افشاء به معنای آشکار کردن، فاش نمودن و پدید ساختن (فرهنگ فارسی معین) آمده است. افشاسگر چنان‌که دهخدا در لغت نامه خویش آورده است به معنای کسی است که رازی را آشکار و مطلبی را علنی کند. اصولاً در ادبیات و فرهنگ اسلامی و قرآنی افشاسگری به معنای آشکار کردن اسراری است که در اختیار فرد و یا گروهی است.

**خدا به مؤمنان هشدار می‌دهد که در ارتباط با بیگانگان به گونه‌ای عمل نکنند که آنان از اسرار نهان شما آگاه شوند و آنان را چنان به خود نزدیک نکند که گویی «بطانه» (زیرپوش تن) شما هستند که به شکم شما چسبیده است و این‌گونه همه اطلاعات و رازهای شما را در اختیار داشته باشند. روابط و معاشرت با بیگانگان باید به گونه‌ای باشد که اسرار شخصی و اجتماعی مردم و نظام حفظ و صیانت شود و امکان دسترسی دشمن به اسرار فراهم نشود.**

از این‌رو ارتباط تنگاتنگی میان افشاسگری و رازداری وجود دارد. رازها اموری هستند که به علل و اسبابی باید نهان و مخفی بماند و تنها در اختیار شخصی و یا اشخاص معینی باشد؛ زیرا افشای آن می‌تواند تبعات خطرناکی و منفی را به دنبال داشته باشد و عرض و آبرو و مال و توان و قدرت شخصی و گروه و یا دولتی را در معرض خطر قرار دهد و حتی جان شخصی را بگیرد. بر این اساس بیان رازداری برای حفظ عرض و مال و جان اشخاص مورد تأکید قرار گرفته است و افزون بر آثار اخلاقی دارای آثار حقوقی خاص نیز می‌باشد و در برخی موارد نیز آثار کیفری و جزائی بر آن بار می‌شود. افشاسگری به معنای بر ملا کردن و آشکار کردن هر امری است که از نظر زمانی باید تا آخر و یا در مدت زمان معینی نهان بماند. از جمله رازهایی که مورد تأکید است اسرار خانوادگی و زناشویی است.

خداوند در آیاتی از جمله ۸۵ سوره اعراف، ۸۵

سوره هود و ۱۸۱ تا ۱۸۲ سوره شعراء، کاستن از کیسل و وزن در خرید و فروش را که حاکی از کم‌فروشی وظلم و اجحاف است از مصادیق فساد در زمین می‌داند؛ زیرا کسی که در خرید و فروش عدالت را مراعات نمی‌کند، به تولید ثروت ضربه وارد می‌سازد و راه را برای شکوفایی اقتصادی و رسیدن به آسایش و آرامش سد می‌کند. اختلال در نظم جهانی که از طریق کم‌فروشی انجام

می‌شود، به عنوان صدکننده راه خدا شناخته شویم.

آنچه در قرآن به عنوان سبیل الله یا صراط مستقیم الهی معرفی شده است، در حقیقت بیان موازین و معیارهایی است که مسیر عدالت را مشخص کرده و ما را از ظلم و فساد ننگه می‌دارد؛ زیرا خداوند با بیان راه راست عدالت بر آن است تا انسان‌ها بتوانند اسما و صفات الهی سرشته در ذات خویش را به فعلیت رسانده و ظهور دهند و اگر کسی این صراط مستقیم اسلام و خدا را نیبماید با کوچک‌ترین انحراف در شکل ظلم و فساد از مسیر بیرون رفته و گمراه می‌شود و نمی‌تواند خودش را به کمال برساند.

آنچه در قرآن به عنوان سبیل الله یا صراط مستقیم الهی معرفی شده است، در حقیقت بیان موازین و معیارهایی است که مسیر عدالت را مشخص کرده و ما را از ظلم و فساد ننگه می‌دارد؛ زیرا خداوند با بیان راه راست عدالت بر آن است تا انسان‌ها بتوانند اسما و صفات الهی سرشته در ذات خویش را به فعلیت رسانده و ظهور دهند و اگر کسی این صراط مستقیم اسلام و خدا را نیبماید با کوچک‌ترین انحراف در شکل ظلم و فساد از مسیر بیرون رفته و گمراه می‌شود و نمی‌تواند خودش را به کمال برساند.

**از نگاه قرآن، اقتصاد فاقد عدالت و قسط هر چند که به ظاهر شکوفاست، ولی بی‌بهره از عناصر معنوی است تا تأثیرات مثبتی به جا گذارد. از این رو اقتصاد ربوی و فاسد و ظالمانه از نظر قرآن به عنوان اقتصاد بی‌برکت و بی‌خبر آریزایی می‌شود که ارزش افزوده واقعی برای آن نخواهد بود.**

از جمله مهم‌ترین معیارهای عدالت در حوزه شناخت حرکت درست در صراط مستقیم الهی، تقوا است. تقوا به انسان کمک می‌کند تا در پاید در کدام درجه از مسیر حرکت صحیح و عادلانه قرار دارد و درجه انحراف به چپ و راست تا چه اندازه است و یا اینکه چه اندازه در مدار صعود و هبوط یا سقوط قرار گرفته است.» در حوزه عمل اقتصادی نیز معیارهایی برای تعیین میزان درستی عمل از فساد و ظلم بیان شده است که از جمله آنها کیل و پیمانه و ترازو و میزان است. این معیارها می‌کند که از انسان درپاید در عمل اقتصادی تا چه اندازه بر مدار عدالت می‌گردد و تا چه اندازه از فساد و ظلم دور است.

از این رو در آیات قرآن در زمینه اقتصادی برای شناخت کم‌فروشی و دیگر بی‌عدالتی‌ها و فسادها، بر موازینی چون کیل و پیمانه تأکید شده است. در آنجاست؛ زیرا کوچک‌ترین بی‌عدالتی و ظلم به معنای اختلال در نظم و نظام آن چیز و از میان رفتن صحت و سلامت آن است.

از این رو در آیات قرآن در زمینه اقتصادی برای شناخت کم‌فروشی و دیگر بی‌عدالتی‌ها و فسادها، بر موازینی چون کیل و پیمانه تأکید شده است. در آنجاست؛ زیرا کوچک‌ترین بی‌عدالتی و ظلم به معنای اختلال در نظم و نظام آن چیز و از میان رفتن صحت و سلامت آن است.

هر کسی باید در حوزه رفتار اقتصادی بر مدار عدالت حرکت کند و از هر گونه فساد و ظلم

و تشویق خداوند است. بر این اساس است که خداوند در آیه ۱۴۸ سوره نساء به افشاکندگنان عیوب و رازهای مردم هشدار می‌دهد که هر گونه افشاسگری در حوزه مسائل شخصی و خصوصی تبعات سخت و شدیدی را به همراه خواهد داشت و شخص را از دایره حب الهی بیرون می‌راند.

هر گونه افشاسگری نسبت به رفتارها و گفتارهای خصوصی و شخصی افراد ممنوع است و شخص را از دایره محبوبیت بیرون می‌راند مگر آنکه شخص به سبب ظلم و ستمی که در حق وی روا داشته می‌شود در محدوده بازخواست و گرفتن حقوق خویش دست به افشاسگری بزند. (نساء ای ۱۴۸)

خداوند با تأکید بر اسمای حسنیایی چون سمیع و علیم می‌کوشد تا این مطلب را روشن سازد؛ زیرا شرفیای تبعات و آثار حقوقی نیز بر آن بار شده است. در داستان خیانت مسرمان پیامبر (ص) و افشا و آشکار کردن رازهای

مهم‌ترین اموری است که کسی نمی‌تواند درباره آن سرک بکشد و اطلاعاتی را کسب کند؛ زیرا همان طوری که حفظ اسرار و رازهای شخصی بر خود شخص واجب است، امکان دسترسی دشمن را به اطلاعات فراهم آورد.

مجازاتی برایشان نخواهد بود. به هر حال، هرگز نمی‌پسندد تا راز کسی را افشا کند، پس چگونه کسانی به خود این اجازه را می‌دهند تا راز دیگری را برملا کنند و آبروی کسی را بربزند و عیب کسی را آشکار سازند؟

خداوند با تأکید بر این دو اسم می‌کوشد تا نوعی تهدید را نسبت به افشاکندگان بیان کند و به آنان بفهماند که نه تنها با افشاسگری کار اخلاقی را انجام نمی‌دهند بلکه زمینه‌های دشمنی با خدا را برای خود فراهم می‌آورند.

**حساسیت قرآن نسبت به حریم خصوصی افراد**
یکی از نام‌های خدا «سنتار» است که از «ستر» به معنای پوشش است. خدا با نام ستار خود، پوشاننده خطاها و گناهان انسان‌هاست؛ چنان‌که به عنوان «هَفَوٌ و غَفوْرٌ» از آنان می‌گذرد. از نگاه قرآن، خدا علیم به معنای بصیر است؛ یعنی هر چیزی را می‌بیند و چیزی به نام غیب برایش مفهوم و معنایی ندارد؛ زیرا همان طوری که خدا مستهد است، همچنین شاهد است و توجه شود بخوبی روشن می‌شود که رازداری در حوزه مسائل شخصی و خصوصی امری است و هر گونه افشاسگری در این حوزه امری ضد اخلاقی و حقوقی شده‌ی می‌شود و تبعات و آثار منفی بر این بار می‌شود. این بدان معنا خواهد بود که رازداری در حوزه‌ها و مساحت خصوصی و شخصی امری هنجاری و اخلاقی است و به عنوان فضیلت و ارزش مورد تأکید

مستقیم الهی و فساد در اهداف خلقت است. (شعراء، آیات ۱۷۶ تا ۱۸۲)
**کم‌فروشی، فسادگری و مخالفت با اصلاحگری**
مأموریت انسان آن است که هر کسی در حد توان خود برای کمال خویش و دیگران کوشش کند و زمینه‌های فساد را از میسان بردارد و در حد توان به اصلاحگری در هر زمینه‌ای از جمله اصلاحات اقتصادی اقدام کند.

اجتماعی است. بر این اساس، هر کسی باید تلاش کند تا عدالت تحقق یابد.

از نظر قرآن اجتناب از کم‌فروشی و بهره‌گیری از میزان و معیارهای عدالت چون وزن و کیل کمک می‌کند تا جامعه مسیر اصلاحی را بیابد و آن را به درستی ببیماید. (اعراف، آیه ۸۵)

کسی که مثلاً جنس را به وزنی کمتر از میزان آن به مشتری می‌فروشد یا با تدلیس جنسی را زیباتر از آنچه هست نشان می‌دهد نوعی فساد را در حوزه عمل اقتصادی سبب می‌شود؛ زیرا این رفتار، اعتماد عمومی را نسبت به بازار تضعیف می‌کند. جامعه‌ای که اعتماد در آن سلب شده باشد، از همگرایی و انسجام نیز بی‌بهره می‌شود و مردمان هیچ گونه گرایش به یکدیگر نخواهند داشت. از نظر قرآن کم‌فروشی و دیگر رفتارهای ظالمانه مانند احتکار و گران‌فروشی یا ربا و بهره‌های سنگین، به سبب آنکه قوام جامعه را با خطر مواجه می‌کند، به عنوان ظلم و فساد در جامعه و زمین معرفی شده است.(اعراف، آیه ۸۵)

کسانی که به دامن فساد اقتصادی و بی‌عدالتی در عمل اقتصادی می‌افتند، از خیر و برکت نیز محروم می‌شوند و درآمدهای آنان فاقد برکت و خیر خواهد بود و هر آنچه بیشتر در می‌آورند بیشتر هزینه می‌کنند و کمتر بهره می‌برند.(هود، آیات ۸۵ و ۸۶)

از نظر قرآن، اقتصاد فاقد عدالت و قسط هر چند که به ظاهر شکوفاست، ولی بی‌بهره از عناصر معنوی است تا تأثیرات مثبتی به جا گذارد. از این رو اقتصاد ربوی و فاسد و ظالمانه از نظر قرآن به عنوان اقتصاد بی‌برکت و بی‌خبر آریزایی می‌شود که ارزش افزوده واقعی برای آن نخواهد بود. اینکه رشد و برکتی برای ربا و تزویلواری نیست به سبب آن است که چنین رفتار اقتصادی عنصر رشد واقعی است و در این نعمت الهی به نعمت تبدیل شده و خیر به شر تغییر ماهیت داده است.

رباخوار و گران‌فروش و کم فروش از نظر قرآن نیز از رحمت الهی دور بوده و مورد نفرین خداوند قرار می‌گیرند(هود، آیات ۸۴ و ۸۵ و ۹۵)
از نظر قرآن، هدف از حرکت‌های اقتصادی سالم، دستیابی به فضای مثبت برای بهره مندی همگان از نعمت‌های الهی برای فعلیت بخشی به کمالات سرشته در ذات است. از نظر قرآن همه حرکت‌های انسانی باید در راستای عدالت و تصحیح و اصلاح امور و رهایی از نقص به سوی کمال باشد؛ بنابراین هر جایی که نقص و فساد است باید برطرف شود تا شخص یا شیء به کمال شایسته و بایسته‌اش برسد.

پذیرفته شود، بلکه می‌بایست شفافیت در چارچوب صیانت از اسرار است و امام در ساحت حریم شخصی یا اجتماعی باشد. (همان)
از منظر قرآن، شفافیت نسبت به دشمن درباره مسائل مردم و رهبری جامعه اصولاً جایز نیست؛ بنابراین، نباید دشمن از عوامل و سطح امنیت و نظام سیاسی آگاهی یابد، بی‌ماده، آیات ۴۱ و ۴۲)

**خداوند با تأکید بر اسمای حسنیایی چون سمیع و علیم می‌کوشد تا این مطلب را روشن سازد که هر گونه افشاسگری خصوصی افراد با توجه به شئون و آگاهی خداوند نوعی ظلم و ستم است زیرا خداوند با همه قلب و آگاهی خویش، نسبت به بندگان رازدار بوده و هرگز نمی‌پسندد تا راز کسی را افشا کند، پس چگونه کسانی به خود این اجازه را می‌دهند تا راز دیگری را برملا کنند و آبروی کسی را بربزند و عیب کسی را آشکار سازند؟**

کنند؛ چنان‌که نباید به گونه‌ای عمل کرد که مردم در حالت خوف قرار گیرند. به عبارت دیگر نباید از اقتدار دشمن چنان مدح و ستایش شود که موجب کاهش روحیه مردم شود؛ زیرا این‌گونه شفاف سازی به جای آنکه بستری برای مقابله باشد، موجب تضعیف را فراهم می‌آورد. در همین راستا است که خدا در جنگ بدر بر خلاف واقعیت‌ها به تغییر آن می‌پردازد تا روحیه دشمن فرو ریزد و روحیه مؤمنان افزایش یابد.

این خود یک امداد غیبی الهی برای مؤمنان در جنگ بدر بود که موجب پرورزی و مؤمنان و شجاعت سربازان و دشمنان شد. (آل عمران، آیه ۱۳؛ انفال، آیه ۴۴)

البته ممکن است که شخص مستقیم این اطلاعات را در اختیار دشمن نگذارد، بلکه با شفاف‌سازی غیرهوشمند بزند؛ زیرا چنین روشی موجب می‌شود تا در جامعه نگرانی و ترس پدیدار شود و امنیت روحی و روانی مردم با خطر مواجه شود و دشمنان و تهدید از سوی آنها روبرو بشود و امت در مقابل خویش احساس انفعال داشته و از اقدامات تأمینی و جهاد دست بردارد و دست‌ها را به نشانه تسلیم در برابر سرطانه جهانی استکبار بالا برند و تن به مذاکرات ذلیلانه دهند و استقلال کشور را بفروشد؛ زیرا در میان مردم، سنت ایمان‌ها و نیز جریان نفوذ و نفاق وجود دارد که در خدمت اهداف دشمنان هستند و همین افراد با ترسگش ناردستی که نسبت به خدا و قدرت الهی در زندگی دنیوی دارند، اسرار امنیتی را افشا می‌کنند و ممکن است در همین راستا از عنوان «شفافیت سازی» بهره گیرند تا خدمتی خوش به دشمنان ناخوش کنند. (نساء، آیه ۸۲)

صفحه ۶

پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۳

۲۶ محرم ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۶۳۸

**چراغ راه**

**ارزش یک ساعت اجرای عدالت**
**قال النبی(ص): «عدل ساعة، خیر من عبادة سبعین سنة**
**قیام لیلها و صیام نهارها.**

پیامبر گرامی(ص) فرمود: ساعتی عدالت بهتر از هفتاد سال عبادت است که در آن شبهاش به نماز و روزهاش به روزه بگذرد.<sup>(۱)</sup>

۱- مشکافاالنوار، ج ۱، ص ۶۷۱

**حکایت خوبان**

**انواع احادیث جعلی**
امام رضاع(ع) درباره احادیث جعلی که به پدرانشان منسوب می‌کردند، فرمودند: مخالفان ما احادیثی درباره ما از پیش خود ساخته و به ما نسبت می‌دهند، و این احادیث به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) روایات غلوآمیز که ما را بالاتر از آنچه هستیم نشان می‌دهد ب) روایاتی که ما را پایین‌تر از آنچه هستیم نشان می‌دهد ج) روایاتی که در آن به عیوب دشمنان ما تصریح شده است. مردم وقتی روایات غلوآمیز را می‌بینند شیعیان ما را تکفیر می‌کنند وقتی روایات دسته دوم را می‌بینند به ما در حد همان اعتقاد پیدا می‌کنند. وقتی عیوب دشمنان ما را می‌شنوند به ما هم همان نسبت‌ها را می‌دهند.<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالنوار، ج ۲۶، ص ۲۳۹

**پریش و پاسخ**

**ضرورت آفت‌شناسی و مقابله با آن(۱)**
**پروش:**
**از منظر آموزه‌های وحیانی آفت‌شناسی در حیات فردی و اجتماعی انسان به چه میزان ضرورت و اهمیت دارد و راهکارهای مقابله با آن چگونه است؟**
**پاسخ:**

**ضرورت آفت‌شناسی**

امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «لکل شیء آفة» هر چیزی آفتی دارد.(غرالحکم و دررالکلم، آمدی، ص ۴۲۱ ح ۹۸۴۲)

این سخن حضرت یک اصل عمومی در جهان طبیعت است. یعنی انسان هر چیزی را که تصور کند، می‌تواند آفتی نیز برایش در نظر بگیرد. البته آفتی متناسب با آن. این عمومیت در گیاهان و حیوانات خلاصه نمی‌شود، بلکه در مورد همه ابعاد و جنبه‌های انسانی نیز مطرح است. به این تفاوت که در زندگی آدمی به مراتب گسترده‌تر و پیچیده‌تر خواهد بود. بنابراین با توجه به گستردگی آفت‌ها در زندگی انسان، آفت‌شناسی و عبرت گرفتن از آن، و نیز مبارزه با آن و چاره‌اندیشی در برابر آفت‌ها، ضرورتی اجتنان‌ناپذیر است و همین شناخت مقدمه تلاش کنیم، راه به جایی نخواهیم برد و آن آفات تأثیرات تخریبی خود را روز به روز بیشتر خواهد گذاشت.

در تعریف آفت گفته‌اند: آنچه مایه فساد و تباهی گردد، آسیب، بلا و زیان نام دارد و جمیع آن آفات است. (فرهنگ معین، ج ۱، ذیل واژه آفت)
انسان همی‌تواند آفتی متناسب با آن. این عمومیت در گیاهان و حیوانات خلاصه نمی‌شود، بلکه در مورد همه ابعاد و جنبه‌های انسانی نیز مطرح است. به این تفاوت که در زندگی آدمی به مراتب گسترده‌تر و پیچیده‌تر خواهد بود. بنابراین با توجه به گستردگی آفت‌ها در زندگی انسان، آفت‌شناسی و عبرت گرفتن از آن، و نیز مبارزه با آن و چاره‌اندیشی در برابر آفت‌ها، ضرورتی اجتنان‌ناپذیر است و همین شناخت مقدمه تلاش کنیم، راه به جایی نخواهیم برد و آن آفات تأثیرات تخریبی خود را روز به روز بیشتر خواهد گذاشت.

در تعریف آفت گفته‌اند: آنچه مایه فساد و تباهی گردد، آسیب، بلا و زیان نام دارد و جمیع آن آفات است. (فرهنگ معین، ج ۱، ذیل واژه آفت)
انسان همی‌تواند آفتی متناسب با آن. این عمومیت در گیاهان و حیوانات خلاصه نمی‌شود، بلکه در مورد همه ابعاد و جنبه‌های انسانی را به یک درخت تنومند سالم و شاداب تشبیه کرد که می‌تواند هیجوم آفات قرار گیرد.

۱- آفتاتی که به شاخ و برگ و میوه درخت حملهور می‌شوند ۲- آفتاتی که به ریشه و اصل درخت هیجوم می‌برند که این دسته آفات به تهدید خطرناک‌تر از آفات دسته اول می‌باشند، زیرا موجودیت درخت را در مایه می‌کنند. داستان زندگی فردی و اجتماعی انسان نیز همین‌گونه است. بعضی از آفات به اصل روح، فکر، روان، ایمان و هویت و هستی انسان هیجوم می‌برند و در صورت چیره شدن، می‌توانند انسان و جامعه انسانی را به یک درخت تنومند سالم و شاداب تشبیه کرد که می‌تواند هیجوم آفات قرار گیرد.

۱- آفتاتی که به شاخ و برگ و میوه درخت حملهور می‌شوند ۲- آفتاتی که به ریشه و اصل درخت هیجوم می‌برند که این دسته آفات به تهدید خطرناک‌تر از آفات دسته اول می‌باشند، زیرا موجودیت درخت را در مایه می‌کنند. داستان زندگی فردی و اجتماعی انسان نیز همین‌گونه است. بعضی از آفات به اصل روح، فکر، روان، ایمان و هویت و هستی انسان هیجوم می‌برند و در صورت چیره شدن، می‌توانند انسان و جامعه انسانی را به یک درخت تنومند سالم و شاداب تشبیه کرد که می‌تواند هیجوم آفات قرار گیرد.

۱- آفتاتی که به شاخ و برگ و میوه درخت حملهور می‌شوند ۲- آفتاتی که به ریشه و اصل درخت هیجوم می‌برند که این دسته آفات به تهدید خطرناک‌تر از آفات دسته اول می‌باشند، زیرا موجودیت درخت را در مایه می‌کنند. داستان زندگی فردی و اجتماعی انسان نیز همین‌گونه است. بعضی از آفات به اصل روح، فکر، روان، ایمان و هویت و هستی انسان هیجوم می‌برند و در صورت چیره شدن، می‌توانند انسان و جامعه انسانی را به یک درخت تنومند سالم و شاداب تشبیه کرد که می‌تواند هیجوم آفات قرار گیرد.

۱- آفتاتی که به شاخ و برگ و میوه درخت حملهور می‌شوند ۲- آفتاتی که به ریشه و اصل درخت هیجوم می‌برند که این دسته آفات به تهدید خطرناک‌تر از آفات دسته اول می‌باشند، زیرا موجودیت درخت را در مایه می‌کنند. داستان زندگی فردی و اجتماعی انسان مؤثر خواهد بود و به عنوان نخستین گام در این راه مطرح می‌باشد.

**آفت‌شناسی در کلام الهی(ع)**
امام علی(ع) می‌فرماید: لکل شیئی آفة؛ هر چیزی آفتی دارد: ۱- آفة العلم النسیان: آفت علم فراموشی است ۲- آفة العبادة الریاء: آفت عبادت ریاست ۳- آفة اللب العجب: آفت خرد خودپسندی است ۴- آفة العجايب العکبر: آفت نجیب‌زادگی تکبر است ۵- آفة الطرف الصلف: آفت زبکی خودستایی است ۶- آفة الجود السرف: آفت بخشندگی زیاده‌روی است ۷- آفةالعیاء الضعف: آفت شرم و حیا، ناتوانی است ۸- آفة الحلم، اللذل: آفت بردباری، خوارگی است ۹- آفة الجلد، الفحش: آفت نیرومندی؛ زشت‌گفتاری و بدکرداری است ۱۰- آفةالایمان الشکر: آفت ایمان شکر ۱۱- آفة التعم الکفران: آفت نعمت‌ها ناسپاسی ۱۲- آفةالذین سرفواطن: آفت بدین بدگمگی ۱۳- آفةالعقل الهوی: آفت خرد، هوی نفس ۱۴- آفةالزوار خبث السریرة: آفت وزیران، خیانت باطنی ۱۵- آفةالزعماء ضعف الیاسیة: آفت زمامداران، ضعف سیاست ۱۶- آفةالقضاة طمع: آفت قاضیان طمع ۱۷- آفةالعطاء العطل: آفت بخشش معطل کردن ۱۸- آفةالریاسة الفخر: آفت ریاست فخر‌فروشی ۱۹- آفةالنفق کذب الوریاء: آفت بازگو کردن سخن، دروغ نقل کردن ۲۰- آفةالعلم ترک العمل به: آفت علم عمل نکردن به آن ۲۱- آفة العمل ترک الاخلاص: آفت عمل نماندن خلوص ۲۲- آفةالجود، التذبر: آفت بخشش، ولخرجی و ریخت و پاش ۲۳- آفةالعالمش، سوءالتدبیر: آفت معاش، سوء مدیریت ۲۴- لسان‌الاوله اللغات، سرآمد آفات، شگفتگی به لذت‌ها می‌باشد. (میزان‌الحکمه، محمدی و عنبرانی،شهره(، باب آفات، ح ۱)

۱)دله( دارد)

**سلوک عارفانه**

**دلیل دین‌گریزی**

**و یا کاهش تأثیر معارف دینی**

**درک سطحی و عامیانه از دین**
مردم در حالت جهالت از هیچ‌چیز استفاده کامل نمی‌کنند حتی از دین. منشا بسیاری از بی‌دینی‌ها، بی‌علمی و آشنا نبودن به تعلیمات الهی است. قرآن کریم درباره کسانی که منکر قرآن بودند این‌طور می‌فرماید: این گروه چیزی را منکر شدند و نسبت جعل و افترا به آن دارند که در آن به درستی ندانستند و نفهمیدند؛ و حقیقت آن چیز بر آنها کشف نشده است. (یونس- ۳۹)
گذشتگان هم که منکر نبوت انبیا بودند روی همین جهت بوده، یعنی روی اصل نادانی و بی‌اطلاعی بوده. امروز باره‌ای از مردم، روی بی‌اطلاعی از اصول و مبانی مستحکم مسئله خداشناسی، راه مادیات را می‌پیمایند و خیال می‌کنند دلیل اساسی و منطقی بر این موضوع نیست.<sup>(۱)</sup>

۱- مجموعه آثار شهید مطهری(ره)، (حکمت‌ها و اندرزها)، ج ۲۲، ص ۳۰۸